

## واکاوی تاریخی معنای واژه‌ی «حُبُک» در آیه‌ی «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ» در تفاسیر و ترجمه‌های فارسی و لاتین

محمد علی همتی<sup>۱</sup>

وفادار کشاورزی<sup>۲</sup>

عبدالرسول هادیان<sup>۳</sup>

مهدی عبداللهی پور<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۴، صفحه ۷۵ تا ۹۷ (مقاله پژوهشی)

### چکیده

اختلاف واژه‌شناسان در معنای ماده‌ی «ح ب ک»، به اختلاف دیدگاه مفسران در خصوص مشتقات این ریشه از جمله واژه‌ی «حُبُک» در آیه ۷ سوره ذاریات، نیز تسری یافته‌است. واژه‌شناسان، این ماده را بریدن گوشت تا استخوان، بستن و محکم کردن و اعتدال، استقرار و حسن صنعت در چیزی معنا نموده‌اند. اما سیر تاریخی تفسیر آیه‌ی مورد بحث، نشان می‌دهد مفسران، واژه‌ی «حُبُک» را به دوازده گونه تفسیر کرده‌اند، که عبارت است از: ۱. آفرینش نیکو؛ ۲. زیبایی و چیرگی؛ ۳. زینت؛ ۴. ستارگان؛ ۵. قوی بنیان؛ ۶. استحکام؛ ۷. آسمان هفتم؛ ۸. طریق؛ ۹. شکست‌های پدید آمده در اشیا؛ ۱۰. امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)؛ ۱۱. موی مجعد؛ ۱۲. گستردگی (فراخی). روایات متعددی نیز در این زمینه وارد شده که عمدتاً از ضعف سندی رنج می‌برند. افزون بر این، اختلاف نظر مفسران بر ترجمه‌های فارسی و لاتین این واژه نیز تاثیر گذاشته و سبب پیدایش ترجمه‌هایی مختلف گردیده‌است. این پژوهش، با روش کتابخانه‌ای و رویکرد معناشناسی نوین (استفاده از روابط جانشینی) برای رسیدن به معنای صواب سامان یافته و سرانجام معنای ستارگان را برای واژه مورد بحث، پذیرفته‌است.

**کلیدواژه‌ها:** حُبُک، ستارگان، راه‌ها، بروج، رجع.

۱. عضو هیئت علمی دانشکده علوم قرآنی شیراز (نویسنده مسئول): mohammadalihemati@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم: vafadarkeshavarz@gmail.com

۳. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم: ar\_hadiansh@yahoo.com

۴. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم: abdollahipour@yahoo.com

## درآمد

ماده‌ی «ح ب ک»، از جمله موادی است که واژه‌شناسان در معنای آن، اتفاق نظر ندارند؛ از این رو، این ماده از سوی ایشان، به بریدن گوشت تا استخوان، بستن و محکم کردن و اعتدال، استقرار و حسن صنعت در چیزی معنا شده‌است. شاید همین اختلاف دیدگاه ارباب لغت درباره معنای این ماده، رفته‌رفته، گونه‌گونی رای مفسران و در پی ایشان، مترجمان را درباره معنای مشتقات این ریشه به‌ویژه در خصوص واژه‌ی «حُبک» در آیه‌ی «وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الحُبُکِ» (ذاریات: ۷) سبب شده‌باشد. از این رو، هریک از مفسران، معانی پراکنده‌ای برای این واژه ارائه نموده‌اند، که عبارت است از: آفرینش نیکو، زیبایی و چیرگی، زینت، ستارگان، قوی‌بنیان، استحکام، آسمان هفتم، طریق، شکست‌های پدید آمده در اشیا، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)، موی مجعد، گسترده‌گی (فراخی).

## طرح مسأله

تتبع در متون و ادبیات جاهلی، اشعار مخضمران و نیز اشعار دوره اسلامی هم حکایت از تنوع و فراوانی معناساختی واژه مورد بحث دارد؛ به گونه‌ای که، معانی گوناگونی چون امواج و شکن‌های آب، خطوط راه‌راه، بافته و درهم‌تنیده، شکن‌های زره، محکم و استوار و... برای واژه‌ی «حُبک» در این نصوص در نظر گرفته‌شده، که گاهی هیچ‌گونه سنخیتی برای برخی از این معانی نمی‌توان یافت! در این پژوهش ابتدا بررسی معناساختی این واژه در ادبیات جاهلی، اشعار مخضمران و دوره اسلامی در دستور کار قرار گرفته؛ و از ورای آن، آرای مفسران در این زمینه واکاوی گردیده؛ و در ادامه، روایات مربوط به واژه مورد بحث، تحلیل و بررسی شده؛ و سرانجام با استفاده از دانش معناسازی نوین و ازبستر به‌کارگیری روابط جانشینی با آیه «وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الرُّجُجِ» (بروج: ۱) و آیه «وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الرُّجُجِ» (طارق: ۱۱)، معنای صواب واژه‌ی «حُبک»، کاویده و معرفی خواهدشد.

## حُبک در لغت

لغت‌پژوهان سه معنا برای ماده «ح ب ک» ذکر کرده‌اند: یکم، بریدن گوشت تا استخوان (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۶۶؛ ازهری، ۲۰۰۱، ج ۴، ص ۶۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۵۳۴)؛ دوم، بستن و محکم کردن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۴۰۷؛ زبیدی، ج ۱۳، ص ۵۳۴)؛ سوم، اعتدال، استقرار و حسن صنعت در چیزی (ابن درید، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۲۸۲). ابن فارس برای ماده‌ی «ح ب ک» یک اصل قائل شده و آن را به معنای بستن و محکم کردن چیزی دانسته و از این رو، احتباك را محکم بستن کمربند معنا کرده‌است (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۱۳۰). گفتنی است، حقیقت معنای این ماده، مفهومی متشکل از استواری و امتداد قلمداد گردیده (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۲، ص ۱۸۷)، که قید «امتداد» در معناپژوهی این ماده، در عصر حاضر و تنها از سوی مصطفوی ارائه شده‌است.

ازسوی دیگر، این اختلاف دیدگاه در معنای مادهی «ح ب ک» به مشتقات این ریشه از جمله واژهی «حُبُک» نیز سرایت کرده‌است.

برخی «حُبُک» را به معنای امواج، چین و شکن‌ها و راه‌هایی دانسته‌اند، که در اموری چون موها، شن و ماسه‌ها، کوه‌ها و سطح آب‌ها وجود دارد (زهری، ج ۴، ص ۶۷؛ زبیدی، ج ۱۳، ص ۵۳۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۴۰۷). تنها فراهیدی این واژه را به معنای راه‌راه بودن، آورده‌است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۶۶). راغب ذیل آیهی «والسما ذات الرجع» حُبُک را به معنای راه‌ها دانسته و می‌گوید برخی بر این باورند، که این راه‌های آسمان، محسوس و تشکیل شده از ستارگان و کهکشان‌هاست و برخی آن را راه‌های معقول دانسته‌اند که با بصیرت درک می‌شود (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۷).

از دیدگاه مصطفوی بعید نیست، لفظ حُبُک اشاره به مسیرها و مدارهای منظم سیارگان و دایره‌های مرتب ستارگان باشد، که عاری از هرگونه خلل و انحراف است؛ زیرا در جای دیگری فرموده «و کلّ فی فلک یسبحون» (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۲، ص ۱۸۷)

نکته دیگر اینکه، از مقایسه معانی ارایه شده برای مادهی «ح ب ک» و واژه «حُبُک» این حقیقت آشکار می‌گردد، که برخی از معانی این واژه با معنای ریشه قرابتی ندارد؛ به عنوان نمونه، هیچ‌کدام از معانی ارائه شده توسط لغت‌شناسان با گوشت و استخوان قرابتی ندارد! بدین‌قرار، در این بخش از نوشتار، به بررسی مادهی «ح ب ک» و برخی مشتقات آن در ادبیات جاهلی می‌پردازیم.

### حُبُک در ادبیات جاهلی، مخضرم و اسلام:

مادهی «ح ب ک» و برخی مشتقات آن در ادبیات جاهلی در معانی متعددی به‌کار رفته‌است.<sup>۵</sup>

#### ۱. ادبیات جاهلی

در شعر زَهِیرُ بنِ اَبی سَلْمی آمده‌است:

مُكَلَّلٍ بِأَصُولِ النَّبْتِ تَنْسُجُهُ \*\*\* رِيحٌ خَرِيْقٌ لُضَاحِي مَائِهِ حُبُكُ (زهری، ۱۴۰۸ق، ص ۸۱)

آراسته با ریشه‌ها و شاخ و برگ گیاهان که بادی سرد و پیوسته بر آن می‌وزد و روی سطح آن امواجی پدید می‌آید. حُبُک در این بیت زهری به معنای امواج و شکن‌های آب است.

در شعر امْرُؤُ القیس بنِ حُجْر این‌گونه آمده‌است:

۵. اشعار، از دواوین دارای شرح انتخاب شده‌است.

مُكَلَّلَةٌ حَمْرَاءَ ذَاتِ أُسْرَةٍ \*\*\* لَهَا حُبُكٌ كَأَنَّهَا مِنْ وَصَائِلِ (امرؤالقیس، ۱۴۲۵ق، ص ۵۷۴) (قله این کوه‌ها) با ابرهائی سرخ تاج‌گذاری شده؛ ابرهائی راه‌راه که گویی لباس‌های سرخ راه‌راه است. در اینجا «حُبُک» به معنای خطوط راه‌راه به کار رفته است.

این واژه در شعر ابو ذؤاد الایادی از دیگر شاعران عصر جاهلی نیز به معنای بافته و درهم‌تنیده آمده: كَأَنَّ الْغُصُونَ مِنَ الْفَهْدَتَيْنِ \*\*\* إِلَى بَلَدَةِ الزَّوْرِ حُبُكُ الْعُقَدِ (الایادی، ۱۴۳۱ق، ص ۹۴) گویی چین و شکن‌های استخوان سر این حیوان تا صفحه سینه‌اش همچون گره‌هایی درهم‌بافته است. «حُبُک» در این بیت ابو ذؤاد به معنای بافته و درهم‌تنیده است.

و در شعر المرقش الأكبر:

بَلْ عَزَبَتْ فِي الشَّوْلِ حَتَّى نَوَتْ \*\*\* وَسَوَّعَتْ ذَا حُبُكِ كَالإِرْمِ (المرقش الاكبر، ۱۹۹۸م، ص ۷۴) با شتران کم‌شیر در دشت‌های دور چریده تا اینکه چاق شده و دارای کوهانی راه‌راه از پشم، چون کوه شده است. در این بیت «حُبُک» به معنای راه‌راه آمده است. همچنین از این ماده واژگان حبیبک و محبوبک در ادبیات جاهلی به کار رفته: مانند شعر زهیر بن ابی سلمی: هُمْ يَضْرِبُونَ حَبِيبَكَ الْبَيْضَ إِذْ لَحِقُوا \*\*\* لَا يَنْكُصُونَ إِذَا مَا اسْتَلْحِمُوا وَحَمُوا (زهیر، ۱۴۰۸ق، ص ۱۱۷)

ایشان آنگاه که درگیر جنگ می‌شوند و خشم‌شان بالا می‌گیرد، به حلقه‌های زره‌ها ضربه می‌زنند و هنگام کارزار، شکست خورده به عقب باز نمی‌گردند. در اینجا «حبیبک» به معنای شکن‌های زره است.

و در شعر اعشى:

عَلَى كُلِّ مَحْبُوكِ السَّرَاهِ كَأَنَّهُ \*\*\* عَقَابٌ هَوَتْ مِنْ مَرْقَبٍ وَتَعَلَّتِ (اعشى، ۲۰۱۰م، ج ۲، ص ۱۲۸) سوار بر اسبی استوار اندام، به‌مانند عقابی که در اوج بلندی بالا و پایین می‌پرد. واژه «محبوک» به معنای محکم و استوار به کار رفته است.

## ۲. اشعار مخضرمین

واژه «حبک» در ادبیات مخضرمین نیز با همان معانی سابق آمده؛ مانند شعر النمر بن تولب:

بِإِسْبِيلَ أَلَقْتَ بِه أُمَّهُ \*\*\* عَلَى رَأْسِ ذِي حُبُكِ أَيُّهَمَا (ابن تولب، ۱۹۷۱م، ص ۱۰۳)

مادرش او را در منطقه اسبیل، بر روی کوهی راه‌راه و دشوارگذر به دنیا آورد.

و شعر حُمَيْدُ بْنُ تَوْرٍ الْهَلَالِيَّ:

مِنْ كُلِّ أَيْبُضَ هِنْدِيٍّ وَسَابِغَةٍ \*\*\* تَغْشَى الْبِنَانَ لَهَا مِنْ نَسْجِهَا حُبُكُ (الهلالی، ۲۰۱۰م، ص ۳۳۴)

از هر نوع شمشیر هندی و زره فراخی که تا سرانگستان را می‌پوشاند و دارای چین و شکن‌هاست.

### ۳. اشعار دوره‌ی اسلامی

در ادبیات دوره اسلامی نیز مانند گذشته، همان معانی، یاد شده است. مانند شعر النابغۃ الشیبانی که حَبْک در آن به معنای راه‌راه آمده: *تُغَيِّرُهَا الرِّيحُ وَكُلُّ غَيْثٍ \* \* \* لَهْ حَبْكَ رَوَاءَ بَعْدَ حَبْكَ* (الشیبانی، ۱۳۵۱هـ، ص ۸۱) (این خانه‌ها) را وزش باده‌ها و بارش باران‌هایی که راه‌های متعدد پرآبی جاری می‌سازد، دگرگون ساخته است.

از مجموع مطالب یادشده می‌توان دریافت، ماده‌ی «ح ب ک» و مشتقاتش در ادبیات پیش و پس از نزول قرآن کریم به معنای امواج، راه‌راه بودن، درهم‌بافته و چین و شکن آمده و معانی‌ای چون محکم بستن، اعتدال و حسن صنعت و بریدن گوشت تا استخوان - که لغت‌شناسان در منابع لغت آورده‌اند - در این سه دوره یافت نشد.

#### دیدگاه مفسران

در دیدگاه هریک از مفسران از آغاز تاکنون، بنابر مستندات خویش، واژه «حَبْک» به یکی از معانی دوازده گانه زیر تعبیر شده است:

۱. آفرینش نیکو؛ ۲. زیبایی و چیرگی؛ ۳. زینت؛ ۴. ستارگان؛ ۵. قوی بنیان؛ ۶. استحکام؛ ۷. آسمان هفتم؛ ۸. طریاق؛ ۹. شکست‌های پدید آمده در اشیا؛ ۱۰. امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)؛ ۱۱. موی مجعد؛ ۱۲. گسترده‌گی (فراخی).

آرای مفسران درخصوص تفسیر این واژه در آیه مورد بحث، شاید در طول اعصار به سمت همگرایی پیش نرفته باشد؛ بدین معنای، تطور تفسیری واژه «حَبْک» در هریک از سده‌های مختلف، نشان می‌دهد، هریک از معنای یادشده، در هر عصری، مورد توجه مفسران قرار گرفته، اما این به معنای همسو شدن الزامی همه مفسران از دیرباز تا امروز، نیست!

#### تفاسیر قرن دوم

مقاتل بن سلیمان (متوفی ۱۵۰ق) می‌گوید: «حَبْک» مانند راه‌هایی است، که به واسطه وزش باد در رمل یا آب، پدید آمده و لایه‌ای را بر لایه دیگر سوار می‌نماید» (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۱۲۷). فرأ (متوفی ۲۰۷ق) «حَبْک» را شکست‌های پدید آمده معنا می‌کند (فرأ، ۱۹۸۰م، ج ۳، ص ۸۲). ابو عبیده (متوفی ۲۰۹ق) نیز مانند مقاتل «حَبْک» را به معنای راه‌ها دانسته (ابو عبیده، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۲۲۵). صنعانی (متوفی ۲۱۱ق) روایتی از قتاده نقل می‌کند، که در آن از «حَبْک» به آفرینش نیکو تعبیر شده است. (صنعانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۰۶). دیدگاه صنعانی با سه مفسر هم‌عصر خود متفاوت است! ضمن این‌که، مستند سخن وی روایت است. در این چند تفسیر اولیه دو معنا برای «حَبْک» ذکر گردیده؛ یکی راه‌ها و دیگر حسن خلقت. ناگفته پیداست، اختلاف در معنای این واژه، از سده‌های

نخستین آغاز شده‌است. گرچه ممکن است گفته شود، اختلافی وجود نداشته و میان راه‌ها و حسن خلقت را - به این صورت که زیبایی آسمان به واسطه‌ی راه‌های آن است - می‌توان جمع کرد، اما مراد دقیق از راه‌ها در این تفاسیر بیان نشده؛ لذا آنچه به ذهن، متبادر می‌شود راه‌های زمینی است، که برایش محسوس است. آیا چنین چیزی برای آسمان نیز متصور است؟

### تفاسیر قرن سوم و چهارم

در سده سوم ابن‌قتیبه (متوفای ۲۷۶ق) واژه «حُبُک» را به «راه‌ها» تفسیر نموده‌است (ابن‌قتیبه، ۱۴۱۱ق، ج ۱ ص ۳۶۳). فرات کوفی (متوفای ۳۰۷ق) روایتی را نقل می‌کند که در آن، باطن قرآن، رسول الله؛ و حُبُک، امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) است، که وی ذات نبی و اهل بیت ایشان می‌باشد (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ج ۱ ص ۴۴۱). روایت فرات کوفی صبغه‌ی باطنی داشته و صرفاً در منابع شیعی آمده‌است. (شاید هم فقط در همین تفسیر بررسی شود)

اختلاف دیدگاه در معنا و مصداق «حُبُک» در قرن چهارم به دلیل فراوانی روایات طبری (متوفای ۳۱۰ق) بیشتر گردید. وی ابتدا در معنای آیه، نظر خود را می‌آورد و «والسماوات ذات الحُبُک» را به «و السماء ذات الخلق الحسن» (قسم به آسمان دارای زیبایی خلقت) معنا کرده و سپس منظور از «ذات الحُبُک» را راه‌های آسمان عنوان می‌کند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶، ص ۱۱۷). از این رو، می‌توان دریافت، او «حُبُک» را به معنای راه‌هایی می‌داند، که باعث زیبایی آسمان شده‌است. وی در ادامه هفت معنا در بیست روایت در معنای «حُبُک» می‌آورد که عبارتند از: ۱. مجعد ۲. آسمان هفتم؛ ۳. اعتدال آسمان؛ ۴. استحکام و قوی‌بنیان؛ ۵. زینت؛ ۶. خلقت زیبا؛ ۷. ستارگان.

### تحلیل روایات طبری

از آنجا که معانی ارایه‌شده در روایات طبری، بعدها مورد اختلاف نظر مفسران و مترجمان گردید، بررسی آن، امری ضروری می‌نماید؛ از این رو، در ادامه به این مهم می‌پردازیم.

#### ۱. مجعد

از روایات فوق، یک روایت به پیامبر (ص) می‌رسد، که در این روایت «حُبُک» به موی مجعد معنا شده‌است. مضمون این روایت چنین است، که پیامبر فرمود: «بعد از شما فردی دروغگو و گمراه‌کننده که موهایش مجعد است، خواهد آمد». اصل این روایت در کتاب مسند احمد بن حنبل (حنبل، ۱۴۰۲ق، ج ۲۶، ۱۹۱) است که در باب دجال است. در این روایت پیامبر این فرد را دو بار «حُبُک» نامیده‌است. این روایت از نظر سند مشکل داشته و مرسل است؛ زیرا در زنجیره‌ی سند «عن رجل عن النبی» آمده‌است، که اصحاب حدیث این نوع روایات را مرسل می‌نامند. نکته دیگر این‌که، این روایت را پیامبر در تفسیر آیه‌ی مورد بحث نگفته‌است، که بتوان از آن در معنای «حُبُک» در آیه

استفاده کرد. این روایت در موضوع دجال نقل شده، که شخص مورد نظر، با موهایی مجعد معرفی می‌شود. لذا مشخص نیست، طبری از چه جهت این روایت را ذیل این آیه آورده‌است؟ اگر «حُبُک» به معنای مجعد باشد، آسمان مجعد به چه معناست؟!

## ۲. آسمان هفتم

در دو روایت «حُبُک» به معنای آسمان هفتم است. هر دو روایت، از عبدالله بن عمرو بن عاص است. گرچه وی از صحابه بوده، اما مورخان و رجال‌شناسان وی را تعدیل نکرده؛ بلکه دنیا دوستی معرفی کرده‌اند که به اعتراف خودش دینش را به دنیایش فروخت (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۳ ص ۳۰۹) و در صفین نیز همراه پدرش در مخالفت با امام علی(ع) برخاست (دینوری، ۱۴۱۸ق، ص ۸۸). در هر صورت، ظاهراً شخصیت مقبولی نداشته‌است. گذشته از اینکه روایت موقوف بوده و به معصوم نمی‌رسد و ناقل اول آن نیز مورد جرح واقع شده، مضمون روایت هم ابهام دارد. مراد از آسمان هفتم چیست؟ در آیه مورد بحث یک بار «السماء» آمده است و اگر «حُبُک» نیز به معنای آسمان هفتم باشد، معنا این‌گونه می‌شود: «قسم به آسمان دارای آسمان هفتم!» که مفهومی مشخص ندارد. به‌علاوه، فرضاً که این معنا برای واژه مورد بحث پذیرفته شود، این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که چرا آسمان هفتم؟!

## ۳. اعتدال

در سه روایت «حُبُک» به معنای اعتدال است؛ یعنی قسم به آسمان دارای اعتدال. از این سه روایت دو روایت از ابن عباس است که سعیدبن جبیر از وی نقل کرده و روایت دیگر از خود سعیدبن جبیر (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶، ص ۱۱۷). مشخص است که منشا روایت سعیدبن جبیر نیز است، اما نام او حذف شده! از این رو، می‌توان دریافت، هر سه روایت از ابن عباس نقل شده؛ به‌علاوه، در طبقه اول فقط سعیدبن جبیر قرار دارد و در طبقات بعد افراد متعدد می‌شوند. بدین‌قرار، این روایت، مفرد و موقوف بوده و به معصوم هم نمی‌رسد.

## ۴. استحکام و قوی بنیان

در دو روایت «حُبُک» به استحکام و قوی بنیان معنا شده، که در این صورت، آیهی «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ» این‌گونه معنا می‌شود: «قسم به آسمان قوی بنیان». این دو روایت به معصوم نمی‌رسد؛ یکی از ابن‌زید است و دیگری از مجاهد؛ لذا اولی موقوف و دومی مقطوع است. ضمن اینکه، از نظر مفهوم نیز با روایاتی که معانی دیگری برای «حُبُک» گزارش کرده‌اند، تعارض دارد.

## 5. زینت

در دو روایت «حُبُک» به معنای زینت آمده؛ یکی از ضحاک و دیگری از سعیدبن جبیر، که هر دو تابعی بوده و بدین‌قرار، هر دو روایت مقطوع است. ضمن اینکه، هیچ متعلقی برای زینت در این دو روایت نیامده. به علاوه، بنابر روایات منقول پیش‌گفته از سعیدبن جبیر، «حُبُک» به اعتدال معنا شده است! به‌هرحال، بر اساس دو روایت اخیر، هر آنچه در آسمان وجود داشته و محسوس باشد، می‌تواند مصداق زینت تلقی گردد.

## 6. خلقت زیبا

در شش روایت «حُبُک» به معنای «خلقت زیبا» است؛ که از این میزان، سه روایت از ابن‌عباس بوده و سهم قتاده، ربیع‌بن انس و عکرمة نیز هر کدام یک روایت است؛ ضمن اینکه، سه روایت موقوف و سه روایت مقطوع است. به‌هرحال، خلقت زیبا به صورت عام ذکر گردیده و شامل تمامی عناصر زیبایی‌بخش آسمان می‌شود.

## 7. ستارگان

در چهار روایت «حُبُک» به معنای «خلقت زیبا» آمده، اما با این تفاوت که ستارگان متعلق آن معرفی شده است. سه روایت از حسن [بصری] که در طبقه دوم در هر سه روایت، عوف قرار دارد؛ از این‌رو، هر سه روایت، مفرد است. در یک روایت هم قتاده «حُبُک» را خلقت زیبا دانسته، سپس می‌گوید: حسن «حُبُک» را ستارگان معنا می‌کرد. این روایات را می‌توان به نوعی توضیح روایاتی دانست که «حُبُک» را خلقت زیبا معنا کرده‌اند. لذا روایاتی که «حُبُک» را ستارگان معرفی می‌کند، از جنبه‌ی تحلیل آماری از بسامد بالاتری نسبت به بقیه روایات برخوردار است.

از مجموع مطالب یادشده می‌توان دریافت، روایاتی که طبری برای معنای «حُبُک» آورده، علاوه بر مشکل سندی، بعضاً تعارض دلالتی نیز دارند. در سده‌های بعد، این اختلافات، به شکل گسترده‌ای میان مفسران انتشار یافت و سپس به دامنه ترجمه‌ها نیز کشیده شد. آخرین نکته‌ی حائز اهمیت در تفسیر طبری، اینکه وی ظاهراً قول راجح درباره معنای واژه مورد بحث را «راه‌ها» دانسته، اما هیچ روایتی در تأیید تفسیر خود نیاورده و این نشان می‌دهد که مفسران صحابه و تابعان به این معنا قائل نبوده‌اند.

برخلاف طبری که «حُبُک» را به معنای «راه‌ها» دانسته، سمرقندی مفسر معاصر وی، این قول را با لفظ «یقال» آورده، که نشان می‌دهد این معنا برای او مسجل نبوده است. در عوض، وی معنای «حُبُک» را خلقت زیبا دانسته و آن را مستند به سخن امام علی (ع) کرده است. سخن امام علی (ع) تنها در تفسیر سمرقندی آمده و در هیچ منبع دیگری از سوی نویسندگان یافت نگردید. اگر چنین سخنی از امام

علی(ع) نقل گردیده، لاقلاً در منابع روایی شیعه باید موجود باشد. اما وی، سخن حضرت را بدون هیچ سندی ذکر کرده‌است.

قمی به‌عنوان آخرین تفسیر قرن چهارم، دو تفسیر از امام رضا و امام باقر(ع) برای «حُبُک» آورده‌است. تفسیر امام رضا(ع) از «حُبُک» ستون‌هایی است، که از آسمان تا زمین کشیده شده‌است. تفسیر امام باقر(ع) «حُبُک» را امام علی(ع) دانسته‌است. در سند روایت امام رضا(ع)، علی‌بن ابراهیم و پدرش و حسین‌بن خالد حضور دارند که همگی ثقه هستند. گرچه سند این روایت موثق به‌نظر می‌رسد، اما روایت مفرد است. آن دسته از روایات طبری که «حُبُک» را محکم و قوی‌بینان معنا کرده، به‌نوعی می‌تواند متابع و شاهد این روایت باشد و با هم متناظر هستند. روایت امام باقر(ع) خارج از بحث سند، تفسیر باطنی است و باتوجه به تفسیر قمی که بخشی از آن را منسوب به ابی‌جارود می‌دانند، ممکن است از اضافات ابی‌جارود باشد، که با عقاید ایشان سازگاری دارد. مؤید این سخن آن است، که این روایت با روایت امام رضا(ع) و با تفسیری که سمرقندی از امام علی(ع) از «حُبُک» آورده، در تعارض است.

### قرن پنجم تا دوران معاصر

از سده پنجم تا عصر حاضر، مفسران در تفسیر «حُبُک» به سه دسته تقسیم شده‌اند. دسته اول که فقط به نقل اقوال طبری -خواه گزارش همه اقوال او و خواه گزینش بخشی از آن- پرداخته‌اند (به‌عنوان نمونه: ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۱۱۰؛ ابوالفتوح، ۱۴۰۸ق، ج ۱۸، ۹۲؛ ابن‌عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۱۷۲؛ مبدی، ۱۳۷۱ش، ج ۹، ص ۳۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱۷، ص ۳۲؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۵۴۹؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۲۹۷؛ کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۹، ص ۳۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۶؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۹۹؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۱۰؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۳۶؛ طنطاوی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۱۲). دو تفسیر شیعی قرن دوازدهم یعنی البرهان بحرانی و نورالثقلین حویزی روایت امام رضا(ع) را که تفسیر قمی نقل کرده، آورده‌اند. (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۲۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۱۷۵) دسته دوم مفسرانی هستند که «حُبُک» را به‌معنای راه‌ها دانسته‌اند (به‌عنوان نمونه: طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۳۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۱۴۶؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸، ص ۱۶۳؛ شبیر، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۸۱). این مفسران یا به مطلق راه‌ها اشاره داشته و یا مصادیقی نیز برای آن ذکر کرده‌اند. دسته سوم مفسرانی هستند، که دیدگاه‌های متفاوتی دارند. مثلاً مکارم شیرازی همه معانی را به چین و شکن زیبایی که در امواج دریا، ابرهای آسمان، رمل‌های بیان و موهای سر به‌وجود می‌آید، برمی‌گرداند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۲، ص ۳۱۲). یا علامه طباطبایی برای «حُبُک» سه معنای: حسن و زینت، خلقت معتدل و آسمان دارای خطوط ذکر می‌کند

و می‌گوید: «بعید نیست، معنای اخیر باتوجه به جواب قسم مناسب‌تر باشد؛ زیرا جواب از اختلاف مردم و تشتت آنان در طریقه‌هایی است، که دارند». (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۸، ص ۵۴۹). به این دیدگاه طباطبایی – که مبتنی بر ملاحظه سیاق است – هیچ‌یک از مفسران اشاره نکرده؛ گرچه در ادامه تصریح می‌کند، که ترجیح هیچ‌یک از این معانی برای ایشان مسلم نیست!

سیر تاریخی معنای واژه‌ی «حُبُک» در تفاسیر ارائه گردید؛ بدین‌قرار، مبنای مفسرانی که «حُبُک» را به معنای راه‌ها دانسته‌اند، منابع لغت و کاربرد ادبیات جاهلی است. برخی نیز نظر به روایات داشته‌اند، که تحلیل آن، ذیل روایات طبری گذشت؛ برخی نیز مانند مکارم شیرازی بین لغت و روایات را جمع کرده‌اند، که نوعی اجتهاد است؛ نهایتاً رای طباطبایی است، که علاوه‌بر توجه به لغت و روایات، به سیاق نیز عنایت داشته‌است. در هر حال، سیر تاریخی تفسیر «حُبُک» نشان می‌دهد، از ابتدا در معنا و مصداق آن اختلاف بوده و تا قرن اخیر نیز ادامه داشته‌است. اینک به بررسی معنای آن در ترجمه‌های فارسی و لاتین می‌پردازیم.

بررسی ترجمه‌های فارسی و لاتین

جدول شماره ۱، ترجمه‌های فارسی

مترجم	ترجمه
آدینه‌وند، پورجوادی، رهنما	ستارگان
ارفع، الهی قمشه‌ای، بروجردی، پاینده، دهلوی	راه‌ها
انصاریان، طاهری، مصباح‌زاده، عاملی	زیبایی
حجتی، مکارم شیرازی	چین و شکن‌ها
رضایی اصفهانی	راه‌ها (پرچین زیبا)
سراج، شعرانی، صفی‌علیشاه	زیبایی (راه‌ها)
صلواتی، فارسی، کاویانپور	مدارمند
فولادوند، مرکز فرهنگ و معارف قرآن	مشبک
گرمارودی، نوبری، یاسری	راه‌های ستارگان
مشکینی	زیبایی، آفرینش معتدل، راه‌های نزول و عروج فرشتگان
معزی	تو در تو
دهم هجری	خداوند راه‌ها و استواری دستارها

### جدول شماره‌ی ۲ ترجمه‌های انگلیسی

مترجم	ترجمه
شاگرد، پیکتال، یوسف علی	Ways = راه‌ها
ایروینگ	Orbits= مدارمند
صفازاده	Stars= ستارگان
قرائی	adornment (with stars) = زینت(با ستارگان)
سرور	Beautiful= زیبایی
مسلمانان مترقی	Perfected = کامل، بی‌عیب

### جدول شماره‌ی ۳ ترجمه‌های آلمانی

مترجم	ترجمه
احمدیه	Pfaden= راه‌ها
زیدان	Bahnen= مدارها
محمد	Makellosen= بی‌نقص و عیب
پارت	Bahnen (der Gestirne)= مدارها(ستارگان)

### تحلیل ترجمه‌های فارسی

جدول ترجمه‌های فارسی نشان می‌دهد، مترجمان، «حُبُک» را متفاوت ترجمه کرده‌اند. ستارگان، راه‌ها و زیبایی، سه ترجمه‌ای است، که مترجمان بیشتری به آن‌ها توجه داشته‌اند. گرچه این سه معنا قابل جمع نیستند، اما شاید به‌زحمت بتوان ستارگان و زیبایی را به‌نحوی مرتبط دانست؛ از این جهت که ستارگان موجب زیبایی آسمان می‌شوند. اما جمع بین ستارگان با راه‌ها، یا راه‌ها با زیبایی مشکل است. برخی مترجمان یکی از سه ترجمه را انتخاب و یکی دیگر را در پرانتز آورده‌اند؛ سراج، شعرانی و صفی‌علیشاه ترجمه مرجح‌شان زیبایی است، اما در پرانتز راه‌ها را نیز آورده‌اند. درحالی‌که، گرمارودی، نوبری و یاسری، راه‌ها را به ستارگان اضافه کرده و زیبایی را در ترجمه خود لحاظ نکرده‌اند. شاید مراد این مترجمان از راه‌های ستارگان، مدارها و افلاک باشد، که صلواتی، فارسی، کاویانپور به آن اشاره داشته‌اند. مدارمند بودن آسمان در نظر مترجمان اخیر، احتمالاً بدین معناست، که هر کدام از خورشید، ماه و بقیه ستارگان در مداری در حرکت هستند، که برخی آیات قرآن نیز

ناظر بر آن می‌باشد؛ مانند آیات ۳۹ و ۴۰ سوره یس و آیه ۳۳ سوره انبیا. مکارم شیرازی و حجتی «حبک» را چین و شکن ترجمه کرده‌اند، که این ترجمه نیز با ستارگان و راه‌ها و مدارمند بودن قابل جمع نیست. فقط با زیبایی به نوعی می‌توان ارتباطش داد؛ بدین صورت که سبب زیبایی آسمان، چین و شکن‌های آن است. البته مشخص نیست مراد از چین و شکن آسمان چیست؟ دو مترجم نیز «حبک» را مشبک ترجمه کرده‌اند، که این ترجمه به نوعی عام است؛ بدین صورت که هرکدام از موارد قبل، موجب مشبک شدن آسمان شده‌است. ترجمه مشکینی از بقیه متفاوت‌تر است. آفرینش اعتدال که در درون خود، زیبایی را نیز دارد، ترجمه‌ای جدید است؛ ایشان کاربرد «حبک» به معنای راه‌ها را نیز معین و عبارت از ممر نزول و صعود فرشتگان دانسته‌است. در ترجمه‌ی دهم هجری «استواری دستارها» معنایی است، که دقیقاً مشخص نیست به چه چیزی اشاره دارد! در حال، اختلاف آرا در ترجمه‌ی این واژه نزد مترجمان فارسی، گاهی متأثر از لغت، پاره‌ای تحت تاثیر روایات و بخشی براساس دیدگاه مفسران است. این اختلافات در ترجمه‌های لاتین نیز ورود یافته که اینک به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

### تحلیل ترجمه‌های لاتین

جدول ترجمه‌های لاتین نیز حکایت از اختلاف نظر مترجمان انگلیسی و آلمانی‌زبان در ترجمه‌ی واژه‌ی «حبک» دارد. در ترجمه‌های انگلیسی «راه‌ها» از بقیه موارد بیشتر مورد توجه بوده، به گونه‌ای که سه مترجم آن را انتخاب کرده‌اند؛ در حالی که، در ترجمه‌های آلمانی، «مدارها» مقبول‌تر واقع گردیده‌است. نکته دیگر این‌که، گرچه هیچ‌یک از مترجمان آلمانی، «حبک» را به معنای «زیبایی» نیاورده‌اند، اما قرائی و سرور، مترجمان انگلیسی، «حبک» را «زیبایی» دانسته‌اند! از بین ترجمه‌های فوق، مسلمانان مترقی انگلیسی و محمد آلمانی هر دو «حبک» را «بی‌نقص و کامل» ترجمه کرده‌اند. از ملاحظه این داده‌ها می‌توان دریافت، نه میان مترجمان لاتین و نه بین مترجمان فارسی در مورد ترجمه واژه مورد بحث، اتفاق نظر وجود ندارد. حال، سوال اینجاست، که آیا راهی برای تشخیص معنای صحیح این واژه در آیه‌ی مورد بحث وجود دارد؟ شاید ادامه پژوهش، در پاسخ به این پرسش، یاری‌رسان باشد.

### «حبک» در روابط جانشینی

یکی از روش‌های نوینی که در معناشناسی قرآن جایگاه خود را تثبیت کرده، معناشناسی براساس روابط همنشینی و جانشینی است. از معروف‌ترین چهره‌های این دانش، توشیهیکو ایزوتسوی ژاپنی است، که در دو کتاب «خدا و انسان در قرآن» و «مفاهیم اخلاقی در قرآن» به این گونه معناشناسی پرداخته‌است.

### «بروج» و «رجع» در روابط جانشینی با «حُبک»

در قرآن دو آیه وجود دارد، که از نظر ساختار به آیه‌ی مورد بحث شباهت دارد؛ نخست، «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ» (بروج: ۱) (قسم به آسمان که دارای برج‌هاست)؛ دوم، «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ» (طارق: ۱۱) (قسم به آسمان دارای بازگشت). سه واژه‌ی آغازین این دو آیه عیناً در آیه‌ی ۷ سوره‌ی ذاریات تکرار شده؛ اما تفاوت در دو واژه‌ی «البروج» و «الرجع» است. باتوجه به شباهت ساختاری یادشده، این پرسش مطرح می‌شود، که آیا با استفاده از روش روابط جانشینی، می‌توان از این دو آیه در تشخیص معنای صحیح «الحُبک» در آیه‌ی ۷ سوره‌ی ذاریات کمک گرفت؟ پاسخ این سؤال منوط به بررسی لغوی و تفسیری دو واژه‌ی «البروج» و «الرجع» در دو آیه‌ی مذکور است.

### «بروج» در جانشینی با «حُبک»

غالب مفسران قرون دوم و سوم «البروج» را ستارگان معنا کرده‌اند. (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۶۷۴؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۴۸؛ فرا، ۱۹۸۰م، ج ۳، ص ۲۵۲؛ صنعانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۹۳) مقاتل آیه‌ی «تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا» (فرقان: ۶۱) را شاهد بر تفسیر خود گرفته‌است؛ از این جهت که بروج درمقابل سراج و قمر یعنی خورشید و ماه قرار گرفته‌است (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۶۷۴). عبدالرزاق صنعانی براساس روایت قتاده بروج را به ستارگان معنا کرده‌است (صنعانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۹۳). برخی مفسران همین دوره، بروج را منزلگاهی دانسته‌اند، که خورشید، ماه و ستارگان در آن درحرکتند (ابوعبیده مثنی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۹۳). از تفاسیر قرن دوم و سوم چنین دریافت می‌شود، که «بروج» یا به معنای ستارگان است و یا به معنای فلک‌هایی است، که خورشید، ماه و ستارگان در آن درحرکتند.

در قرن چهارم، طبری سه روایت دال بر اینکه «بروج» به معنای ستارگان است، آورده و خود، بروج را به معنای منزلگاه‌هایی دانسته، که خورشید و ماه در آن درحرکتند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۸۱). طبری ازبستر نقل دو روایت دیگر، بروج را قصرهایی در آسمان معنا کرده؛ هرچند، در ادامه هر دو روایت می‌گوید: مراد، کواکب است. در روایتی دیگر از سفیان بن حسین، «بروج» را به شن و آب معنا کرده‌است (همان). ناگفته پیداست، این روایت با روایات فوق تعارض دارد؛ به علاوه، سفیان بن حسین بعد از سال ۱۵۰ق وفات یافته، که نسبت به کسانی چون قتاده (متوفای ۱۱۷ق) و مجاهد (متوفای ۱۰۴ق) که «بروج» را به معنای ستارگان دانسته‌اند، قریب نیم قرن متأخر است. همچنین در روایت ایشان، مراد از آسمان دارای شن و آب مفهوم صحیحی ندارد.

در حال، برپایه شواهد قرآنی و روایی، «بروج» به معنای ستارگان یا منزلگاه‌هایی است، که خورشید، ماه و ستارگان در آن در جریان هستند. این معنا در تفاسیر قرون بعدی به عنوان رأی مقبول

پذیرفته شد (رک: طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۱۵؛ طبرسی، ۱۳۷۳ش، ج ۱۰، ص ۷۰۸؛ فخررازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰، ص ۲۰۹، زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۷۲۹؛ فخررازی ۱۴۲۰، ج ۳۱، ص ۱۰۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱۹، ص ۲۸۳؛ ابوحنیان، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۴۴۲؛ صافی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۰۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۲۱۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰ش، ج ۲۶، ص ۳۲۸؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۰، ص ۴۱۳).

بنابر مطالب پیش گفته، آیهی «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ» (بروج: ۱) این گونه ترجمه می شود: «قسم به آسمان که دارای ستارگان یا دارای صورت های فلکی است». اینک، پاسخ این پرسش پیش گفته که: آیا می توان با استفاده از روش روابط جانشینی از این آیه در تشخیص معنای صحیح «الحبک» در آیهی ۱۱ سوره ی طارق بهره گرفت، روشن می گردد؛ چه این که، اگر «البروج» در آیهی «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ» (بروج: ۱) جایگزین «الحبک» در آیهی «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحَبْكَ» (ذاریات: ۷) گردد، معنای آیه چنین می شود: «قسم به آسمان دارای ستارگان».

#### «رجع» در جانشینی با «حبک»

اینک به بررسی آیهی «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ» (طارق: ۱۱) و ارتباط آن با آیهی «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحَبْكَ» می پردازیم. مفسران ادوار گوناگون، دو معنای غالب برای «رجع» قایلند؛ یکی به معنای باران؛ دیگری به معنای ستارگان یا گردش ستارگان. در قرون دوم و سوم، مفسران «رجع» را فقط به معنای باران دانسته اند. (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۶۶۰؛ زیدبن علی بن حسین، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۸۳؛ قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۱۶؛ تستری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۹۱؛ فرا، ۱۹۸۰م، ج ۳، ص ۲۵۵؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۴۹؛ ابو عبیده، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۲۹۴). اما در تفاسیر قرن چهارم به بعد، «رجع» به معنای ستارگان و گردش شان نیز آمده است. (نحاس، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۱۲۵؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۹۴) هر دو معنا مبتنی بر روایات است؛ با این تفاوت که روایات متضمن معنای «باران» هشت فقره، اما معنای «ستارگان، گردش ستارگان» فقط در یک روایت آمده است.

روایات حامل معنای باران، به رغم تعدد، اما یا موقوفند یا مقطوع و به معصوم هم نمی رسند؛ ضمن اینکه، به نظر، مرجع تمامی هشت روایت حامل معنای باران، ابن عباس باشد؛ زیرا از این هشت روایت، سه روایت از آن ابن عباس است، دو روایت از قتاده، و سهم مجاهد، حسن و ضحاک، هر کدام یک روایت می باشد. افراد اخیر، همگی در زمره تابعان بوده و شاگردان مستقیم یا با واسطه ی ابن عباس شمار می شوند. (عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۹۷؛ ج ۸، ص ۳۱۵؛ ج ۱۰، ص ۳۹) لذا احتمال می رود، که این معنا را از ابن عباس شنیده، اما بدون ذکر نام وی نقل کرده باشند.

درخصوص تک‌روایتی که حامل معنای ستارگان و گردش‌شان بوده و به ابن‌زید رسیده نیز اشکال ارسال و عدم انتساب به معصوم وجود دارد. اما با این وصف، بسیاری از مفسران قرون میانه به بعد، براساس همین تک روایت، معنای «رجع» را گردش ستارگان و کواکب دانسته‌اند! (مهائی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۹۸؛ بقاعی، ۱۴۲۷ق، ج ۸، ص ۳۹۰؛ خطیب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۵۹۲؛ کاشفی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۵۲؛ شیخ‌زاده، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۵۶۸؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۷، ص ۳۹۹؛ فیضی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۲۶۱). حتی برخی مفسران مانند علامه طباطبایی، بدون اشاره به این روایت، آن را بر هشت فقره دیگر ترجیح داده‌اند؛ زیرا «رجع» را عبارت از تحولاتی دانسته‌اند، که در آسمان برای ما محسوس است؛ ستارگان و اجرامی در یک طرف آن غروب و از سمت دیگر دوباره طلوع می‌کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۰، ص ۴۳۲)

بنابر دیدگاه دسته‌آخر - که طیف قابل توجهی از مفسران بوده و معنای ستارگان و گردش‌شان را برای واژه «رجع» پذیرفته‌اند - و با در نظر گرفتن روابط جانشینی میان آیهی «وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الحُبُکِ» (ذاریات: ۷) با آیهی «وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ» (طارق: ۱۱)، به دلیل اشتراک در سه واژه نخست، چنانچه واژه «رجع» جانشین «حُبُک» گردد، معنای «وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الحُبُکِ» این‌گونه می‌شود: قسم به آسمان دارای ستارگان یا قسم به آسمان ستارگان دارای افلاک. بنابراین با استفاده از روش معناشناسی نوین و توجه به روابط جانشینی، معنای صحیح واژه «حُبُک» و روایات مرجح آن مشخص گردید.

#### نتیجه

- مادهی «ح ب ک»، از جمله موادی است که واژه‌شناسان در معنای آن، اتفاق نظر ندارند.
- مفسران و در پی ایشان، مترجمان هم درباره مشتقات این ریشه به‌ویژه درخصوص معنای واژهی «حُبُک» در آیهی «وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الحُبُکِ» (ذاریات: ۷) اختلاف کرده‌اند.
- تتبع در متون و ادبیات جاهلی، اشعار مخضرمات و نیز اشعار دوره اسلامی هم حکایت از تنوع و فراوانی معناشناختی واژه «حُبُک» دارد.
- ضعف سندی، تعارض‌های دلالتی، تشتت و نابه‌سامانی روایات وارد شده در این خصوص نیز، به پیچیدگی معناشناختی این واژه می‌افزاید.
- در تفاسیر قرن دوم، عمدتاً دو معنا برای «حُبُک» ذکر گردیده؛ یکی راه‌ها و دیگری حسن خلقت.
- فهم تفسیری این واژه در تفاسیر قرن سوم، رفته‌رفته، رنگ و بوی باطنی (امام علی‌بن ابی‌طالب(ع)) می‌یابد.

- گرچه طبری، در قرن چهارم، قول راجح درباره معنای واژه مورد بحث را «راه‌ها» دانسته، اما هیچ روایتی در تأیید تفسیر خود یاد نمی‌کند! ضمن اینکه، اختلاف دیدگاه‌ها در معنا و مصداق «حُبک» به دلیل فراوانی روایات طبری از این قرن به بعد، بیشتر می‌شود.

- از سده پنجم تا عصر حاضر، مفسران در تفسیر «حُبک» به سه دسته تقسیم شده و مهم‌ترین دسته، مفسرانی‌اند، که تنها به نقل اقوال طبری -خواه گزارش همه اقوال او و خواه گزینش بخشی از آن- پرداخته‌اند.

- به‌کارگیری دانش معناشناسی نوین و توجه به روابط جانشینی، میان آیه «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ» (بروج: ۱) و آیه «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ» (طارق: ۱۱) و واژه مورد بحث، معنای صحیح واژه «حُبک» را روشن و آن را عبارت از «ستارگان» معرفی می‌نماید

### منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی سلمی، زهیر (۵۱۴۰۸هـ)، *دیوان الشعر*، شرح حسن فاعور، بیروت، دارالکتب العلمیه، ط ۱.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر، بی‌جا.
۳. ابن تولب، نمر، (۱۹۷۱م)، *دیوان الشعر*، تحقیق نوری حمودی القیسی، بغداد، مطبعه المعارف، ط ۱.
۴. ابن درید، أبو بکر محمد بن الحسن الأزدی (۱۹۸۷م)، *جمهره اللغه*، تحقیق رمزی منیر بعلبکی، دار العلم للملایین، بیروت، ط ۱.
۵. ابن سلیمان، مقاتل (۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۶. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰)، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، چاپ اول.
۷. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۴۲۲ق)، *المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول.
۸. ابن فارس، أحمد (۱۳۹۹ش)، *معجم مقاییس اللغه*، تحقیق عبد السلام محمد هارون، بیروت، دار الفکر.
۹. ابن قتیبه الدینوری، أبو محمد عبد الله بن مسلم (۴۱۸ق)، *الإمامة والسیاسة*، تحقیق: خلیل المنصور بیروت، دار الکتب العلمیه، بی‌جا.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم (۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دارصادر، چاپ سوم.

۱۱. ابن سلیمان، مقاتل (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۲. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۱ق)، *تفسیر غریب القرآن*، بیروت، دار و مکتبه الهلال، چاپ اول.
۱۳. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مصحح: ناصح، محمدمهدی و یاحقی، محمدجعفر، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول.
۱۴. ابوحنبل، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، *البحر المحیط فی التفسیر*، محقق: جمیل، صدقی محمد، بیروت، دارالفکر، چاپ اول.
۱۵. ابو عبیده، معمر بن مثنی (۱۳۸۱ق)، *مجاز القرآن*، قاهره، مکتبه الخانجی، چاپ اول.
۱۶. آدینه‌وند لرستانی، محمدرضا (۱۳۹۳ش)، *کلمه الله العلیا*، ترجمه، تجزیه و ترکیب کلام الله، اسوه، چاپ دوم.
۱۷. ارفع، کاظم (۱۳۸۵ش)، *ترجمه قرآن*، تهران، فیض کاشانی، چاپ سوم.
۱۸. ازهری، محمد بن أحمد (۲۰۰۱م)، *تهذیب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۲۰۰۱م.
۱۹. الأعشی، میمون بن قیس (۲۰۱۰م)، *تحقیق محمود ابراهیم محمد الرضوانی*، اللوحه، وزارة الثقافة والفنون والتراث، ط ۱.
۲۰. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، محقق: عبدالباری عطیه، علی، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
۲۱. امرؤالقیس (۱۴۲۵ق)، *دیوان الشعر*، ضبطه و صححه مصطفی عبدالشافی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ط ۵.
۲۲. انصاریان، حسین (۱۳۹۳ش)، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، سازمان دارالقرآن کریم، نشر تلاوت.
۲۳. ایادی، اَبی دؤاد (۱۴۳۱ق)، *دیوان الشعر*، تحقیق أنوار محمود الصالحی وأحمد هاشم السامرائی، دمشق، دارالعصماء، ط ۱.
۲۴. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، موسسه البعثه، قسم الدراسات الإسلامیه، چاپ اول.
۲۵. بروجردی، سیدمحمد ابراهیم (۱۳۶۶ش)، *تفسیر جامع*، تهران، صدر، چاپ سوم.

۲۶. بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۲۷ق)، *نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور*، محقق: مهدی، عبدالرزاق غالب، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۲۷. بیضاوی، ناصر الدین (۱۴۱۸ق)، *انوار التنزیل و اسرار التاویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۲۸. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۵۷ش)، *ترجمه قرآن*، تهران، نشر جاویدان.
۲۹. پورجوادی، کاظم (۱۳۷۵ش)، *ترجمه قرآن*، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، چاپ سوم.
۳۰. *ترجمه قرآن قرن دهم*، مترجم ناشناس (۱۳۸۳ش)، تصحیح علی رواقی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چاپ اول.
۳۱. تستری، سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ق)، *تفسیر التستری*، محقق: عیون سود، محمد باسل، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۳۲. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق)، *تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۳. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۴. حجتی، مهدی (۱۳۸۴ش)، *گلی از بوستان خدا (ترجمه قرآن)*، قم، بخشایش، چاپ دهم.
۳۵. حسینی زبیدی و محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، محقق: علی، هلالی و سیری، علی، بیروت، دارالفکر، بی جا.
۳۶. حنبل، احمد (۱۴۲۰ق)، *مسند*، محقق: شعیب الأرنبوط و آخرون، بی جا، مؤسسه الرساله، چاپ دوم.
۳۷. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نور الثقلین*، تصحیح هاشم رسولی، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۳۸. خطیب شربینی، محمد بن احمد (۱۴۲۵ق)، *تفسیر الخطیب الشربینی المسمی السراج المنیر*، محقق: شمس الدین، ابراهیم، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
۳۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار الشامیه، ط ۱.
۴۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران (۱۳۸۳ش)، *ترجمه قرآن*، قم، مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، چاپ اول.

۴۱. رهنما، زین‌العابدین (۱۳۵۴ش)، ترجمه قرآن، تهران، سازمان اوقاف، چاپ اول.
۴۲. زید بن علی بن الحسین (ع) (۱۴۱۲ق)، تفسیر الشهید زید بن علی المسمی تفسیر غریب القرآن، محقق: حکیم، حسن بن محمدتقی، بیروت، الدار العالمیه.
۴۳. سراج، رضا (۱۳۹۰ق)، ترجمه قرآن، تهران، سازمان چاپ دانشگاه، چاپ اول.
۴۴. سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق)، تفسیر بحر العلوم، بیروت، دار الفکر، چاپ اول.
۴۵. شبّر، عبدالله (۱۴۰۷ق)، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، مقدمه نویس: بحر العلوم، محمد، کویت، نشر شرکه مکتبه الالفین، چاپ اول.
۴۶. شعرانی، ابوالحسن (۱۳۷۴ش)، قرآن مجید با ترجمه فارسی و خواص سور و آیات، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیة، چاپ اول.
۴۷. الشیبانی، النابغه (۱۳۵۱ق)، دیوان الشعر، القاهرة، دارالکتب المصریه، ط ۱.
۴۸. شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی (۱۴۱۹ق)، حاشیه محیی‌الدین شیخ‌زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی، مصحح: شاهین، محمد عبد القادر، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۴۹. صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، محقق / مصحح: آل یاسین، محمد حسن بیروت، عالم‌الکتاب.
۵۰. صفارزاده، طاهره (۱۳۹۴ش)، ترجمه فارسی و انگلیسی قرآن، قم، اسوه، چاپ پنجم.
۵۱. صفی‌علی‌شاه، حسن (۱۳۷۸ش)، تفسیر صفی، تهران، منوچهری، چاپ اول.
۵۲. صلواتی، محمود (۱۳۸۷ش)، ترجمه قرآن، تهران، مبارک، چاپ اول.
۵۳. صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۴۱۱ق)، تفسیر القرآن العزیز، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول.
۵۴. طاهری قزوینی، علی‌اکبر (۱۳۸۰ش)، ترجمه قرآن، انتشارات قلم، چاپ اول.
۵۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: موسوی، محمد باقر، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۵۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم.
۵۷. طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول.
۵۸. طنطاوی، محمد (۱۹۹۷م)، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره، نهضة مصر.

۵۹. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۶۰. عسقلانی، أحمد بن علی (۱۴۰۴ق)، *تهذیب التهذیب*، بیروت، دار الفکر.
۶۱. فارسی، جلال الدین (۱۳۶۹ش)، *ترجمه قرآن*، تهران، انجام کتاب، چاپ اول.
۶۲. فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *تفسیر مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۶۳. فراء نحوی، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰م)، *معانی القرآن*، قاهره، هیئته المصریه العامه للکتاب، چاپ دوم.
۶۴. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت.
۶۵. فولادوند، محمدمهدی (۱۳۷۶ش)، *ترجمه قرآن*، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ سوم.
۶۶. فیض کاشانی، ملا محمد محسن (۱۴۱۵ق)، *تفسیر صافی*، تهران، مکتبه الصدر، چاپ دوم.
۶۷. فیضی، ابوالفیض بن مبارک (۱۴۱۷ق)، *سواطع الالهام فی تفسیر کلام الملك العلام*، قم، دار المنار.
۶۸. قاسمی، جمال الدین (۱۴۱۸ق)، *تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل*، تحقیق عیون سود، محمد باسل، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
۶۹. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو، چاپ اول.
۷۰. قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۲۰۰۰م)، *لطائف الاشارات*، قاهره، هیئته المصریه العامه للکتاب، بی چا.
۷۱. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، *تفسیر القمی*، تهران، دارالکتاب، چاپ سوم.
۷۲. کاشانی، فتح الله بن شکرالله (۱۴۲۳ق)، *زبدۃ التفاسیر*، محقق: بنیاد معارف اسلامی، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۷۳. کاشفی، حسین بن علی (بی تا)، *تفسیر حسینی (مواهب علیّه)*، سراوان، کتابفروشی نور.
۷۴. کاویانپور، احمد (۱۳۷۸ش)، *ترجمه قرآن*، انتشارات اقبال، چاپ سوم.
۷۵. مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا)، *تفسیر المراغی*، بیروت، دارالفکر، چاپ اول.
۷۶. المرقشینی الأكبر والأصغر (۱۹۹۸م)، *دیوان الشعر*، تحقیق کارین صادر، بیروت، دار صادر، ط ۱.

۷۷. مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۵ش)، *ترجمه قرآن*، قم، بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چاپ اول.
۷۸. مشکینی، علی (۱۳۸۱ش)، *ترجمه قرآن*، قم، انتشارات الهادی، چاپ دوم.
۷۹. مصباح زاده عباس (۱۳۸۰ش)، *ترجمه قرآن*، بدرقه جاویدان، چاپ اول.
۸۰. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۸۱. معزی، محمد کاظم (۱۳۷۲ش)، *ترجمه قرآن*، قم، اسوه، سازمان اوقاف و امور خیریه، چاپ اول.
۸۲. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، *الکاشف*، قم، دارالکتاب الاسلامی، چاپ اول.
۸۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳ش)، *ترجمه قرآن*، قم، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، چاپ دوم.
۸۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دهم.
۸۵. مهائمی، علی بن احمد (۱۴۰۳ق)، *تفسیر القرآن المسمی تبصیر الرحمن و تیسیر المنان*، بیروت، عالم الکتب.
۸۶. موسوی گرمارودی، سید علی (۱۳۸۴ش)، *ترجمه قرآن*، تهران، قدیانی، چاپ دوم.
۸۷. میدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش)، *کشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)*، به اهتمام حکمت، علی اصغر، تهران، امیر کبیر، چاپ پنجم.
۸۸. نحاس، احمد بن محمد (۱۴۲۱ق) *اعراب القرآن (نحاس)*، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۸۹. نوبری، عبدالمجید (۱۳۹۶ق)، *ترجمه قرآن*، تهران، اقبال.
۹۰. الهلالی، حمید بن ثور (۲۰۱۰م)، *دیوان الشعر*، تحقیق محمد شفیق البیطار، هیئة أبوظبي للثقافة والتراث، دارالکتب الوطنیه، ط ۱.
۹۱. الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۹۹ش)، *ترجمه قرآن*، آوای ماندگار، چاپ اول.
۹۲. یاسری، محمود (۱۴۱۵ق)، *ترجمه و خلاصه تفسیر*، قم، بنیاد فرهنگی امام مهدی (ع)، چاپ اول.

93. Ahmadiyya Muslim Jamaat (2012), *Der Heilige Qur'an*, Veröffentlich.

94. Ahmed Muhammad and Samira (1994), *The Koran, Complete Dictionary and Literal Translation*, Vancouver, Canada.

95. Ali, Abdullah Yusuf (1934). *The Holy Qurān: English Translation & Commentary (With Arabic Text)* (1st ed). Kashmiri Bazar, Lahore: Shaikh Muhammad Ashraf.
96. Amir M.A. Zaidan. *At-tafsīr - Der Quraan-Text und seine Transkription und Übersetzung*, Islamologisches Institut, 2009
97. Irving, T.B. (Al-Hajj Ta'lim Ali), (1985), *The Qur'an Translation and Commentary*, first edition, Amana Books, Brattleboro, Vermont.
98. Muhammad Hamidullah (1966) *Le Saint Coran: traduction et commentaire*, paris, Le Club Français Du Livr.
99. Pickthall, Marmaduke (2011), *The Meaning of the Glorious Koran*, New Modern English Edition with brief explanatory notes and Index of subjects, 7th Edition, Published by IDCI
100. Progressive Muslims (2008), *the Message, a Translation of the Glorious Qur'an*, Brainbow Press.
101. Qarai, Ali (2019), *The Qur'an: With a Phrase-by-Phrase English Translation*, 6th Edition, Independently published.
102. Rudi Paret (2014), *Der Koran: Übersetzung von Rudi Paret* (German Edition), Kohlhammer Verlag, 12th ed. Edition.
103. Sarwar, Shaykh Muhammad (2011), *The Holy Qur'an: The Arabic Text and English Translation*, sixth edition, e-book.
104. Shakir, Muhammad Habib (2001), *the Holy Quran: Arabic Text and English Translation*, Worldwide Organization for Islamic Services (WOFIS)